



مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۲۲۸ - چهارشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۷۸

سرمقاله

حقوق بشر مسئله داخلی هیچ کشوری نیست

سعید حجاریان مشاور رئیس جمهور
 هدف سوقصد مسلحانه قرار گرفت

اعتراض گسترده کارگران علیه مصوبه مجلس شورا
 تابوها در هم می شکنند

چه کسی رئیس مجلس می شود
 نگاهی به وضعیت کاندیداهای ریاست مجلس ششم

پرده ی دوم خمیه شببازی
 ((پیگیری)) قتل های سیاسی زنجیره ای

خواست های میلیون ها زن بی پاسخ مانده است
 کارنامه دولت اصلاح طلب در رفع ستم از زنان:
 چیزی برابر صفر!

دستگاه سرکوب همچنان پرکار است

آزادی پوشش در خانه، خیابان و مجلس

دانشجویان از ((فاجعه ملی سال ۶۷)) می پرسند
 پرونده قتل عام هزاران زندانی سیاسی بازگشایی می شود؟

نامه کمیسیون جوانان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 به فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 با ترور نمی توان راه اصلاحات سیاسی را بست!

با کار تماس بگیرید

سرمقاله

حقوق بشر مسئله داخلی هیچ کشوری نیست

اصلاح طلبان حکومتی مخالف رفسنجانی بر این نکته تاکید کرده‌اند که تصمیم یک دادگاه بلژیک مبنی بر انجام تحقیقات قضائی علیه رفسنجانی به اتهام نقض حقوق بشر، کمک غیرمستقیم به رئیس جمهور سابق در شرایطی است که دست رد مردم تهران به سینه او، وی را در ضعیفترین موقعیتش پس از انقلاب قرار داده است. در همین رابطه انواع و اقسام تئوری‌های توطئه در روزنامه‌ها به صورت شایعه و زمزمه مطرح شده‌اند. حتی طرح شده است که خود خانواده رفسنجانی در تصمیم دادگاه بلژیک نقش داشته است. در اینکه جناح راست و طرفداران رفسنجانی از ماجرای تصمیم مقامات قضایی بلژیک، برای زیر ضرب بردن منتقدان داخلی ((عالیجناب)) (لقبی که اکبر گنجی روزنامه‌نگار به رفسنجانی داده است) سو استفاده کرده‌اند، تردیدی نیست.

در این نیز تردیدی نیست که دستگاه قضایی بلژیک در سالهای اخیر از خود امتحان خوبی پس نداده است و مردم بلژیک به ویژه در ماجرای ارتباط سیاستمداران و مقامات دولتی این کشور با جنایتکاران، سئوالات زیادی در ارتباط با عملکرد پلیس و دادگستری بلژیک مطرح کرده‌اند که بی‌پاسخ مانده است. و باز در این تردیدی نیست که در بلژیک، گذشته استعماری این کشور هیچ‌گاه به اندازه کافی مورد پیگیری قضایی و سیاسی قرار نگرفته است. اما آیا همه این فاکتورها کافی است که تصمیم دادگاه بلژیک را توطئه‌ای حساب شده برای ضربه‌زدن به اصلاح‌طلبان در ایران بدانیم؟ و حتی اگر چنین باشد آیا باید اصلاح‌طلبان در ایران واکنشی مانند امثال رفسنجانی داشته باشند و دادگاه بلژیک را متهم به ((دخاله در امور درونی ایران)) کنند؟ آیا وقت آن فرا نرسیده است که اصلاح‌طلبان حکومتی ایران نیز بپذیرند که حقوق بشر، مسئله داخلی هیچ کشوری نیست، بلکه مسئله همه جهانیان است؟

اگر دادستانی در اسپانیا حق دارد پینوشه دیکتاتور سابق شیلی را به اتهام نقض حقوق بشر تحت تعقیب قرار دهد، دادگستری بلژیک و هر کشور دیگری نیز که قوه قضائیه آن برای متهم حق دفاع از خود قائل است و آن را رعایت می‌کند، حق دارد به نام بشریت، نقض حقوق بشر را مورد رسیدگی قرار دهد. این، یک ایده‌آل انسانی است که نقض‌کنندگان حقوق بشر، در هیچ جای دنیا از تعقیب مصون نباشند. البته ملاحظات دیپلماتیک، مانع از تحقق این آرمان است. در جریان پرونده میکونوس نیز دولت آلمان فشارهای زیادی به دادگستری این کشور وارد کرد تا ماجرا پیگیری نشود. گاه چنین فشارهایی موثر واقع می‌افتد (مانند قضیه قتل خلبان شخصی رفسنجانی در آلمان، ترور زنده‌یاد قاسملو در وین و اکثر موارد دیگر تروریسم دولتی جمهوری اسلامی در اروپا) و در مواردی نادر، قضات و دادستانهایی پیدا می‌شوند که وظیفه وجدانی و حرفه‌ای خود را بالاتر از مصالح دیپلماتیک دولت متبوع خود قرار می‌دهند.

وظیفه یک نیروی آزادیخواه و حقیقت‌جو، حمایت از چنین قضاتی است نه متهم کردن آنها به انواع و اقسام توطئه‌ها. اگر کسانی که در حکومت جمهوری اسلامی این روزها با شعار دفاع از حاکمیت ملی به قاضی بلژیکی حمله می‌کنند واقعا دغدغه عدم دخالت بیگانگان در امور ایران را دارند و از تعقیب موارد نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی هراسی ندارند، باید از خواست رسیدگی به همه اتهامات علیه رفسنجانی و سایر سران جمهوری اسلامی توسط یک کمیته ملی حقیقت‌یاب با تمام توان دفاع کنند. اکنون در جمهوری اسلامی وضع هنوز به گونه‌ای است که روزنامه‌نگاری مانند اکبر گنجی که سئوالاتی در باره عملکرد رفسنجانی مطرح کرده است، امنیت جانی ندارد و هر روز او را به ترور یا بازداشت تهدید می‌کنند. هر کس که می‌خواهد راه را بر دعاوی بعدی مشابه در دادگاههای خارج از ایران را ببندد، باید همین امروز شرایط طرح دعاوی علیه رفسنجانی در داخل ایران فراهم کند. ده‌ها هزار نفر از مردم ایران حاضرند به شرط تامین امنیتشان و عادلانه‌بودن روند تحقیقات، دعاوی خود را علیه ((عالیجناب)) سردار سازندگی طرح کنند. این دعاوی از قتل نزدیکان تا شکنجه و زندانی شدن خود شاکیان را در بر می‌گیرد. علیرغم همه سواستفاده‌ای که مخالفان اصلاحات در ایران از اقدام دادگاه بلژیک کرده‌اند، این تصمیم قاضی بلژیکی حداقل این تاثیر مثبت را داشته است که در ایران در سطحی گسترده در باره دعاوی ایرانیان خارج از کشور علیه سران جمهوری اسلامی بحث می‌شود. تاکنون پرداختن به موارد نقض حقوق بشر در مطبوعات ایران، عمدتاً محدود به قتل‌های ((غیرقانونی)) وزارت اطلاعات بوده است. اکنون وقت آن است که به فریاد آن دسته از هموطنانی نیز رسیدگی شود که ۲۰ سال است قربانی خودسری دستگاه امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی در زندانهای این رژیم شده‌اند.

سعید حجاریان مشاور رئیس جمهور هدف سوقصد مسلحانه قرار گرفت

سعید حجاریان عضو رهبری جبهه مشارکت ایران اسلامی، مدیر مسئول روزنامه صبح امروز و مشاور رئیس جمهور صبح روز یکشنبه ۲۲ اسفند در ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه در مقابل ساختمان شورای شهر تهران هدف تهاجم مسلحانه دو نفر موتورسیکلت‌سوار قرار گرفت و از ناحیه شانه و صورت به شدت مجروح گردید. مهاجمان سوار بر موتورسیکلت ۱۰۰۰ سی سی بودند که فقط نیروهای امنیتی چنین وسیله‌ای را در اختیار دارند و تردد مردم عادی با این نوع موتورسیکلت ممنوع است. حجاریان بلافاصله توسط نیروهای امداد به بیمارستان سینا انتقال یافت و آخرین خبرها حاکی از آن است که از خطر مرگ نجات یافته و تلاش پزشکان برای مداوای وی ادامه دارد.

در واکنش علیه اقدام مهاجمان، رئیس جمهور، جبهه مشارکت، حزب کارگزاران، نهضت آزادی ایران و سایر احزاب و سازمان‌ها با صدور اطلاعیه‌هایی سوقصد به جان حجاریان را محکوم کردند و بر پیگیری و معرفی مهاجمان تاکید کردند. در اطلاعیه جبهه

مشارکت با اشاره به کسانی که از تریبون نماز جمعه به ترویج خشونت می‌پردازند آمده است: ((آنان که تریبون‌های رسمی را به تریبونی برای صدور حکم اعدام و خشونت تبدیل کرده‌اند، بدانند که با این کارها جز آن که چهره ناپسندی از خود را به نمایش می‌گذارند، هیچ خللی در اراده ملت ایران برای رسیدن به اهداف خود ایجاد نخواهند کرد)). همچنین در این اطلاعیه آمده است: ((اگرچه حجاریان از شخصیت‌هایی است که برای جامعه و علاقه‌مندان به اصلاحات کلیدی و محوری محسوب می‌شوند ولی فرایند موجود در ایران بیش از آنکه خواست عده‌ای از نخبگان سیاسی باشد، خواست و اراده تمامی ملت ایران است و انتخابات ۲۹ بهمن، نمادی از این خواست است)).

اعتراض گسترده کارگران علیه مصوبه مجلس شورا

نمایندگان محافظه‌کار که اکثریت مجلس شورا را در دست دارند و هشتاد درصد آنها نتوانستند به دوره ششم مجلس راه یابند، در ماه‌های آخر عمر نمایندگی‌شان مصمم شده‌اند تا در فرصت زمانی کوتاه طرح‌های ارتجاعی را به مجلس برده و به تصویب برسانند. یکی از این مصوبات ارتجاعی، معاف کردن کارگاه‌ها و مشاغل دارای پنج نفر و کمتر، از شمول قانون کار است. این مصوبه که علیه کارگران و منافع آنان است، اعتراض گسترده کارگران را برانگیخته است. در روزهای اخیر هزاران تن از کارگران واحدهای تولید در مقابل مجلس شورا گرد آمدند و صدای اعتراض خود را به گوش نمایندگان مجلس رساندند. کارگران خواستار لغو مصوبه مجلس شدند. قبل از این گردهمایی، نمایندگان کارگران تهران در تالار اجتماعات وزارت کار جمع شده بودند و به عنوان اعتراض به مصوبه مجلس نوارهای مشکی به سینه نصب کرده بودند. آنها در این اجتماع فریاد می‌زدند: اعتصاب، اعتصاب، کارگران می‌گویند که هدف اصلی عده‌ای آن است که قانون کار را به زیان کارگران تغییر دهند. احمدی رئیس قانون شوراهای اسلامی کار استان در همان گردهمایی گفت: ((مجلس شورای اسلامی به جای تصویب طرح مغایر با قانون اساسی و مقابله نام‌های بین‌المللی، می‌بایست جزئیات طرح بازنشستگی پیش از موعد را تصویب کند و فکری به حال کارگرانی که ۲۷ ماه است حقوق نگرفته‌اند، بکند)). و اضافه کرد: ((از این پس کارگران در اجتماعات اعتراض‌آمیز کارگران واحدهایی که حقوق نمی‌گیرند، شرکت خواهند کرد)). احمدی در این گردهمایی اعلام نمود: ((یازدهم اردیبهشت (روز جهانی کارگر) نشان خواهیم داد که کارگران زنده هستند و با برپایی راهپیمایی سراسری با لباس کار و کفن، از حقوق صنفی خود دفاع خواهند کرد)).

کارگران در بیانیه خود در گردهمایی جلو مجلس، قانون جدید مجلس را یکی از بدترین قوانین در تاریخ مجلس کشور خواندند و آن را مغایر با قوانین سازمان‌های بین‌المللی دانستند و از شورای نگهبان خواستند به عنوان صیانت‌کننده از قانون اساسی، مصوبه مجلس را رد کند. علاوه بر کارگران دولت و وزارت کار، خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار مخالف تصویب این قانون ضدکارگری بودند. نمایندگان بی‌توجه به این مخالفت‌ها و اعتراضات گسترده کارگری، تنها به خاطر تامین منافع کارفرمایان به این اقدام دست یازیدند.

کارگران کشور مصمم هستند که همچنان اعتراضات خود را علیه تصویب قانون ضدکارگری توسط مجلس شورا ادامه دهند.

تابوها در هم می‌شکنند

سرعت تحولات و عطش جامعه ایران به دانستن حقایق به‌گونه‌ای است که تابوها با سرعتی شگرف شکسته می‌شوند و زوایایی تاریک حکومت بیست ساله دیکتاتوری را روشنایی‌ها فرا می‌گیرند. افشاگری پیرامون قتل‌های زنجیره‌ای که به عمق می‌رود و تا ترورهای مخالفین در خارج از کشور دامنه می‌گسترده و پرسشگری پیرامون ادامه جنگ خانمانسوز با عراق که دیگر نه تنها تقدیس نمی‌شود، بلکه مورد اعتراض و انتقاد قرار دارد و مقصرینش جستجو می‌شوند، تنها دو عرصه ممنوعه‌ای است که از سایه بیرون می‌آید. اکنون به نقاط دست‌نیافتنی دیگری نیز نقب زده می‌شود. دانشجویان از اعدام‌های دسته‌جمعی سال ۶۷ در زندان‌ها می‌پرسند، جوانان سرکوب خلق کرد در نخستین سال‌های انقلاب را مورد انتقاد قرار می‌دهند و کسی را که امروز یکی از چهره‌های مشهور اصلاح‌طلبی است به خاطر سابقه اعمالش در کردستان بیرحمانه به باد انتقاد می‌گیرند.

آنان که چنین شجاعانه پرسش‌های انتقادی خویش را مطرح می‌کنند، نقد عملی و واقعی ((گذشته)) حکومت جمهوری اسلامی را آغاز کرده‌اند. این جریان متوقف نخواهد شد و هر چه جلوتر برود، دیوارهای ممنوعه را با شهامت و صراحت بیشتری فرو خواهد ریخت و این لازمه پیشرفت اصلاحات واقعی در ایران است. بدون نقد بیست سال گذشته دشوار است که بتوان از سنگینی آن رهایی یافت و به سوی آینده‌ای روشن رهسپار شد. اکنون اصلاح‌طلبان در برابر آزمایشی بزرگ و سخت قرار گرفته‌اند. آنان در برابر این نقد چه موضعی خواهند گرفت؟ بسیاری از پیشروان اصلاح‌طلب وابسته به حکومت، از ضرورت نقد گذشته سخن گفته و می‌گویند. اگر آن‌ها هنوز آغاز نکرده‌اند، دانشجویان و جوانان و روشنفکران ایرانی در این راه گام گذاشته‌اند.

احزاب سیاسی مخالف جمهوری اسلامی، یعنی قربانیان مستقیم و زندانیان شاهد چارچوب‌های ممنوعه، در این زمینه بسیار سخن‌ها، گفته‌ها و تجربه‌ها دارند. اکنون زمان سخن گفتن آنان نیز فرا رسیده است. باید راه‌های سخن گفتن با جوانان و دانشجویان تشنه حقیقت را یافت و با آنان سخن گفت!

چه کسی رئیس مجلس می‌شود نگاهی به وضعیت کاندیداهای ریاست مجلس ششم

تا کنون رسم بر این بوده است که نماینده اول تهران ریاست مجلس شورای اسلامی را برعهده گیرد، اما در مجلس ششم موضوع به صورتی پیچیده درآمده است و محافل قدرتمندی مایلند این رابطه ساده و منطقی را وارونه سازند و نفر آخر تهران را در راس مجلس بنشانند. انتخاب رییس مجلس ششم در واقع نخستین چالش بزرگ میان محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان در مجلس جدید است که هر چند هنوز وارد مراحل نهایی و تعیین‌کننده خود نشده است، اما زورآزمایی‌های اولیه در مورد آن مدت‌هاست جریان دارد.

بخشی از اصلاح‌طلبان، زمانی که شکست سنگین رفسنجانی اتفاق نیفتاده بود و از او به عنوان کاندید اول و بدون رقیب ریاست مجلس نام برده می‌شد، کوشیدند زمینه را برای محدود کردن اختیارات رییس مجلس و فروکاستن نقش او تا حد سخنگوی پارلمان فراهم سازند، اما به خوبی معلوم بود که در سلسله مراتب قدرت در حکومت اسلامی چنین تلاشی جز با تغییر ساختار هرم بالای قدرت امکان‌پذیر نخواهد بود و چنین تغییری دست‌کم در آینده نزدیک ناممکن است. رییس مجلس مطابق قوانین، یکی از پنج مرد قدرتمند جمهوری اسلامی است که در مهم‌ترین سطوح تصمیم‌گیری حضور دایم دارد و از همین روست که حساسیت بیشتری نیز در مورد گزینش آن پدید می‌آید.

هاشمی رفسنجانی هنوز از سوی بخشی از حکومت به عنوان مناسب‌ترین رییس مجلس آینده مطرح می‌شود و شکست سنگین او در انتخابات نه باعث شده است که محافظه‌کاران از پیش انداختن او صرف‌نظر کنند و نه خود وی در عطش سیری‌ناپذیرش به سوی قدرت تجدیدنظری نماید. در حالی که برخی از خیرخواهان رفسنجانی به او توصیه کرده‌اند از داعیه ریاست مجلس بگذرد و به صورت یک ((نماینده عادی)) دوران چهار ساله وکالت خویش را طی کند، از محافل محافظه‌کار نزدیک به وی خبر می‌رسد که او و دوستان محافظه‌کارش از این شکست هیچ نیاموخته‌اند. آقای امیر محبی عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت گفته است رفسنجانی تصمیم دارد کاندیدای ریاست مجلس بشود و ((تا آخر خط)) پیش رود.

جبهه مشارکت اسلامی، اصلی‌ترین رقیب هاشمی رفسنجانی و جریانی که به اعتقاد خیلی‌ها عامل اصلی در ((زمین زدن)) رفسنجانی بود، موضع مخالفت خود را با ریاست وی کماکان حفظ کرده است. محمدرضا خاتمی دبیرکل این جبهه در آخرین اظهارنظرهای خود نیز تایید کرده است کاندیدای این جبهه برای ریاست مجلس، تنها از میان لیست انتخاباتی این جبهه خواهد بود.

اما جبهه مشارکت اگر در برابر محافظه‌کاران تاکنون موضع صریح و کمتر مورد مناقشه‌ای داشته است، در درون جبهه خود درگیر اختلافاتی فرساینده است. این اختلافات بیش از همه با رقیب قدرتمندی به نام مجمع روحانیون مبارز در جریان است. شنیده‌ها حاکی است روحانیت مبارز بر کربوبی پافشاری می‌کند. مهدی کربوبی کسی است که می‌تواند انتخاب دوم محافظه‌کاران نیز باشد. مواضع او بگونه‌ای است که بیشترین نزدیکی را در طیف دوم خردادی‌ها با روحانیت مبارز دارد، چهره‌ای است روحانی و به تعبیر روزنامه جمهوری اسلامی ((امتحان پس‌داده)) که گول شعارهای دل‌فریب را هم نمی‌خورد، هر چند صباحی به ((لیبرال))ها حمله می‌کند و خطر ((تکرار مشروطه)) را نیز یادآور می‌شود و مهم‌تر از همه این‌ها، مواضع سفت و سخت و خصمانه‌ای علیه آیت‌الله منتظری دارد. این احتمال وجود دارد که با پیچ خوردن موضوع، حمایت مشترک محافظه‌کاران و ((چپ سنتی)) مهدی کربوبی را بار دیگر بر صندلی ریاست مجلس قرار دهد.

به همان دلایل که محافظه‌کاران به مهدی کربوبی علاقه دارند، جبهه مشارکت اسلامی می‌داند تن دادن به ریاست او مشکلات بزرگی را برای این جبهه به ویژه در میان جوانان رادیکالی که این حزب بر آنها متکی است و کربوبی را تا رده‌های پایینی فهرست تهران فرو کشیدند، به وجود می‌آورد. تمایل این حزب به محمدرضا خاتمی است. هم دبیرکل این حزب است و هم نفر اول تهران. اما محمدرضا خاتمی به همان اندازه که در جبهه مشارکت اسلامی محبوب است، مورد مخالفت دو قطب دیگر مجلس یعنی محافظه‌کاران و کارگزاران سازندگی قرار دارد. کارگزاران سازندگی حتی حاضر نشدند او را در بین سی نفر لیست خود در تهران قرار دهند. مشکل دیگر محمدرضا خاتمی آن است که برادر رییس‌جمهوری است و خیلی‌ها خوشایند نمی‌دانند دو برادر در راس دو قوه از سه قوه اصلی حکومت باشند.

این مشکل را هادی خامنه‌ای نیز دارد، هر چند از او نیز به عنوان یکی از کاندیداها نام برده می‌شود. مواضع فعالانه او در روزهای پس از انتخابات به این گمان دامن می‌زند که او نیز به صندلی ریاست چشم دوخته است. شاید اگر کار به توافق روحانیون مبارز و جبهه مشارکت بستگی یابد، او کاندیدای پرشانس‌تری نسبت به مهدی کربوبی و محمدرضا خاتمی باشد.

بهزاد نبوی چهره بعدی است. او این توفیق را داشته است که در لیست همه گروه‌های ۱۸ گانه جبهه دوم خرداد قرار بگیرد و دبیر هماهنگی این ائتلاف برای انتخابات باشد که نشانه میزان بالایی از مقبولیت او در بین دوم خردادی‌هاست. اما در کارنامه بهزاد نبوی دو امتیاز منفی نیز وجود دارد. اولاً محافظه‌کاران از دوران دولت‌های رجایی و موسوی با او دشمنی داشته‌اند و نام او هنوز نیز حساسیت آن‌ها را برمی‌انگیزد. و دوم این که بهزاد نبوی روحانی



نیست. وی در میان نیروهای بیرون از طیف حکومت نیز به دلیل مواضع بسته خود چندان محبوب نیست، هرچند این عدم محبوبیت در تصمیم‌گیری‌ها تأثیر کمی دارد.

در میان کاندیداهای احتمالی ریاست مجلس ششم، گاه به گاه نامی هم از جمیله کدیور برده می‌شود. محافظه‌کاران گفته‌اند که این یک ((شوخی)) است که جبهه مشارکت برای امتیازگیری بیشتر از رقیب بر سر زبان‌ها انداخته است. در این مورد شاید حق با آن‌ها باشد. در جمهوری اسلامی ایران ریاست یک زن بر مجلس بیشتر به شوخی می‌ماند، حتی اگر آن زن جزو انتخاب‌های اول مردم پایتخت باشد!

پرده‌ی دوم خمیه شب‌بازی (پیگیری) قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای

هفته‌ی گذشته با تغییر مسئول قضایی رسیدگی به پرونده‌ی قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای در دادسرای نظامی تهران و تعیین کارشناسان وزارت اطلاعات رژیم به عنوان ضابطان این پرونده، پرده‌ی اول خمیه شب‌بازی ((پیگیری)) این قتل‌ها فرو افتاد و پرده‌ی دوم بالا رفت.

در پرده‌ی اول که قریب یک سال و نیم طول کشیده مسئولان معینی در رژیم کوشیدند که در اسرع وقت سر و ته قضیه‌ای را که به اصرار خاتمی برملا شده بود، هم بیاورند. آنان در چند دور، گروهی از عاملان و همدستان قتل‌ها را دستگیر کردند و به شیوه‌ی مالوف خویش بر متهمان آنگونه رفتار کردند که آنان بر آزادگان و دگراندیشان روا می‌داشتند. سناریویی برایشان نوشتند و به زور شکنجه و ارباب و محرومیت از تماس با دنیای خارج، آنان را وادار کردند که بازیگر نقش‌هایی باشند که در بازی به آنها محول شده بود.

هفته‌ی گذشته ۱۶ تن از خانواده‌های متهمان قتل‌ها با ۸ تن از نمایندگان مجلس ملاقات کردند. آنان ادعا کرده‌اند که متهمان یک سال و سه ماه است که در زندان انفرادی به سر می‌برند، در این ۱۵ ماه شکنجه شده‌اند و اجازه‌ی ملاقات با بستگانشان را نداشته‌اند، از یکی خواسته‌اند اعتراف بگیرند که بهائی است تا راحت‌تر او را مهدورالدم معرفی کنند و همسر سعید امامی را آن‌قدر شکنجه کرده‌اند که اینک با دیالیز به حیات خود ادامه می‌دهد. خانواده‌ی متهمان خواستار برگزاری دادگاه علنی برای آنان و پاسخگویی آمران قتل‌ها شدند.

فیلم ویدئویی که بر مبنای این سناریو تهیه شد و قرار بود از سیمای جمهوری اسلامی پخش شود، به گواه گروهی از کارشناسان اطلاعاتی رژیم در وهله‌ی اول و نمایندگان مجلس در مرحله‌ی بعدی چنان مفتضح بود که آنان صلاح را در آن دیدند که مردم به عمق اقدامات نابخردانه‌ی آنان پی‌نبرند. ای کاش که این فیلم که در آن متهمان علاوه بر اعتراف به جاسوسی برای بیگانگان و توطئه بر ضد نظام از اقدامات غیراخلاقی (بسیار فراتر از آنچه که در واقع مرتکب شده بودند و قابل اثبات است) خود سخن گفته‌اند، از تلویزیون پخش می‌شد تا مردم به شناخت بهتری از ابلهانی که آنان را ابله می‌شمردند دست یابند.

اکنون پرده‌ی دوم نمایش بالا می‌رود. مقامی ((مسئول)) از سازمان قضایی نیروهای مسلح که نامش مشخص نیست اعلام می‌کند که متهمان قتل‌های زنجیره‌ای در سلامت در زندان به سر می‌برند و ادعاهایی مبنی بر زیر شکنجه بودن و از کار افتادن کلیه‌ی برخی از آنان کذب محض است. او اظهار امیدواری می‌کند که گروه جدید رسیدگی‌کننده که روشن نمی‌شود متشکل از چه کسانی است نسبت به تکمیل پرونده‌ی قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای با سرعت لازم و به طور جامع اقدام کنند. ادعای این مقام ((مسئول)) مبنی بر عدم کاربرد شکنجه در مورد متهمان به قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای هشدار دهنده است. همه می‌دانند که تا امروز نیز اعمال شکنجه در زندان‌های رژیم نه تنها برای گرفتن اطلاعات و اعترافات، بلکه برای مسخ شخصیت دربندافتادگان، اقدامی عادی و روزمره تلقی می‌شود، همانگونه که هیچ‌کس باور نمی‌کند که دانشجویان بازداشت شده به دنبال وقایع ۱۸ تا ۲۳ تیرماه امسال زیر شکنجه قرار نگرفته‌اند، کسی هم باور نمی‌کند که متهمان قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای شکنجه نشده‌اند.

اظهارات مقام ((مسئول)) سازمان قضایی نیروهای مسلح، نگرانی آزاداندیشان و خانواده‌های قربانیان قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای را برطرف نمی‌کند. تمام شواهد نشان می‌دهد که بررسی پرونده از دستی درون رژیم به دستی دیگر سپرده شده است تا آنان نیز دور از چشم پی‌جوی وکیلان خانواده‌های قربانیان و همراهان آن، سناریویی دیگر را بنویسند و با ((نرمش)) بیشتری متهمان را مجبور به بازی نقش تعیین شده بنمایند. اما بعید است که آنان در نمایش این پرده از خمیه شب‌بازی خویش نیز موفق باشند. مردم کشور ما بارها و بارها نشان داده‌اند که هشیارتر از آن‌اند که بتوان هر هجویی را به آنان قبولاند.

خواسته‌های میلیون‌ها زن بی‌پاسخ مانده است کارنامه دولت اصلاح‌طلب در رفع ستم از زنان: چیزی برابر صفر!

دو سالی است که زن ایرانی با قلبی پرشورتر و سری برافراشته‌تر به استقبال هشت مارس می‌رود. هشت مارس روز جهانی زن است و این روز سمبلی است برای زنان که در راه احقاق حقوق خود و برخورداری از برابری‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و خانوادگی مبارزه می‌کنند. زنان ایران سربلندند که در این دو سال در این جهت و در جهت از میان بردن استبداد که پایه همه این نابرابری‌ها است چنان کرده‌اند که نام زن ایرانی، این بار نه از سر دلسوزی، که با احترام و ستایش بر سر زبان‌ها در سراسر جهان جاری است.

همه آگاهان، مفسرین و تحلیل‌گران داخلی و خارجی مسایل ایران در این عقیده متفقند که زنان ایرانی یکی از ستون‌های هر تحولی بوده‌اند که از دوم خرداد تا به امروز میهن ما را در نور دیده و امید به آینده را در آن بارور ساخته است. هم در پیروزی عظیم دوم خرداد و هم در پیروزی عظیم‌تر ۲۹ بهمن، زنان یک نیروی پیشرو و تعیین‌کننده بوده‌اند.

این قاطعیت، شور و اراده از سال‌ها تحمل نابرابری‌هایی بدست آمده است که در جهان امروزی ما شاید جز یکی دو کشور نمونه دیگری برای آن نتوان یافت. زنان ایرانی که بیست سال بزرگ‌ترین تحقیرها و نابرابری‌ها را تحمل کردند، در نخستین فرصت چنان کردند که جهانیان را به تحسین خویش واداشتند و نام زن ایرانی را سربلند کردند از همه این فداکاری‌ها هنوز نتیجه معینی به دست نیامده است. برای زنان به مفهوم یک ((زن)) هنوز دوم خرداد و جریان رسمی اصلاح‌طلبی هیچ به همراه نیاورده است. زنان هنوز درجه دو محسوب می‌شوند و در کشوری که همه مردمش درجه دو هستند، تبدیل شدن به نیمه انسان بسیار دشوارتر است. در قوانین حقوقی جمهوری اسلامی که رسماً برابری زن و مرد را نقض می‌کند، کوچکترین تغییری به وجود نیامده است و بر محدودیت‌های آن افزوده هم شده است. در همین دو سال ممنوعیت ((استفاده ابزاری)) از زن و جدایی امور درمانی او از مرد را به تصویب رساندند و نابرابری‌ها را افزایش دادند. هنوز هیچ زنی نتوانسته است از سطح نمایندگی مجلس بالاتر رود. درهای دولت و مقامات بالای قوه قضاییه بر روی زنان بسته است و حتی روزی که همه زنان جهان به آن دلخوش دارند و پاسش می‌دارند، برای زن ایرانی ممنوع است. میلیون‌ها زن کارگر و زحمتکش، بدون برخورداری از هیچ حمایتی بار سنگین تامین زندگی‌هایی را بر دوش می‌کشیدند که هر لحظه دشوارتر می‌شود.

کارنامه اصلاح‌طلبان حکومتی در رسیدگی به ده‌ها مساله و مشکل عمومی زنان و ویژه زنان ایرانی، چیزی نزدیک به صفر است. در انواع وعده‌هایی که آنان برای آینده می‌دهند نیز، کمتر نام و نشانی از مشکلات ویژه زنان و قصدی برای تعدیل نابرابری‌های جنسی دیده می‌شود. شاید همین واقعیت تلخ، خود دلیلی باشد که زنان ایرانی را از اصلاح‌طلبی سرخورده سازد. اما در ایران درست برعکس، زنان میدان‌دار هر اعتراض و پیشگام هر تحول هستند. آنان برای این اعتراضات و برای این تحولات انگیزه‌های بسیاری دارند.

زنان ایران در دو سال و نیم اخیر بهتر دریافته‌اند که اگر راهی برای دستیابی آنان به خواسته‌هایشان و از میان بردن نابرابری‌ها و ستم جنسی باشد، همان راهی است که آنان برگزیده‌اند و رو به دموکراسی دارد. مطالبات ویژه آنان هر چه شفاف‌تر و صریح‌تر باشد، بر دامنه جنبش دموکراتیک می‌افزاید و چنین نیست که باید برای تحقق آنان منتظر ظهور فرشته نجاتی به نام ((دموکراسی)) بود. از همین رو بی‌توجهی کامل سردمداران جنبش اصلاح‌طلب کشور به مسایل و مشکلات زنان را نباید در درایت و درک به موقع آنان از مراحل پیشبرد شعارها، مطالبات و خواسته‌های فوری و مبرم جنبش دموکراتیک دانست و باید در عدم درک اهمیت مساله زنان از سوی آنان ارزیابی کرد. طرح خواسته‌های ویژه زنان به صورت هر چه شفاف‌تر در جامعه و گسترش دادن به جنبش مستقل زنان برای احقاق حقوق خود جنبش دموکراتیک در کشور ما را غنای بیشتری می‌بخشد و حامیان آن را به دفاع از حقوق زنان بیشتر متقاعد می‌کند.

دستگاه سرکوب همچنان پرکار است

دیوان عالی جمهوری اسلامی، حکم اعدام اکبر محمدی از فعالین جنبش دانشجویی را تایید کرده است. این اقدام در گرماگرم انتخابات مجلس صورت گرفت. همچنین دستگاه قضائی جمهوری اسلامی سه نفر به اسامی سیروس ذبیحی مقدم، منوچهر خلوصی و هدایت‌الله کاشف نجف آبادی را به مرگ محکوم کرده است، این سه نفر به جرم بهائیت به مرگ محکوم شده‌اند.

شعبه ۲۷ دادگاه انقلاب اسلامی نیز، بدون تشکیل جلسات محاکمه و صرفاً با اتکا به بازجویی‌های انجام‌شده، بهرام نمازی (۶۵ ساله) را به ۱۵ سال، خسرو سیف (۶۶ ساله) را به ۱۳ سال و فرزین مخبر (۶۰ ساله) را به اتهام ((فعالیت در حزب غیر قانونی ملت ایران))، ((فعالیت علیه نظام و اخلال در امنیت داخلی)) و در مورد بهرام نمازی ((توهین به مقام رهبری)) محکوم کرد.

آزادی پوشش در خانه، خیابان و مجلس

هفته‌ی گذشته این سخن خانم طاهره رضازاده‌ی شیرازی نماینده‌ی منتخب مجلس ششم از شیراز و همسر ابراهیم اصغرزاده عضو شورای شهر تهران که گفته بود قصد دارد پوشش کنونی خود در اجتماع را حفظ کرده، با مانتو و روسری وارد مجلس شود، مسئله‌ی آزادی پوشش در محدوده‌ی معینی را بار دیگر در جامعه مطرح کرد. با این سخن چند گونه برخورد شد. سنت‌گراهایی چون مرضیه دباغ و عباس عباسی نمایندگان راه نیافته به مجلس ششم به ارباب دست زدند. مرضیه دباغ گفت هر نماینده‌ای که بدون چادر وارد مجلس شود با کتک روبرو خواهد شد و عباسی اظهار داشت که همه زنان اعم از نماینده و غیرنماینده باید چادر به سر کنند.

کسانی چون فاطمه کرویی راه میانه‌ئی پیش گرفتند و به مصلحت ندانستند که خانم‌های نماینده بدون چادر وارد مجلس شوند. اما اصلاح‌طلبان حکومتی از هادی خامنه‌ای گرفته تا جمیله کدیور حضور بانوان نماینده در مجلس را به همان شکلی که در انظار ظاهر می‌شوند و در پوسته‌های تبلیغاتی انتخابات مجلس عکسشان چاپ شده است، مجاز دانستند.

بحث آزادی پوشش در جامعه‌ی ما از دیرباز همواره مطرح بوده است در اوایل این قرن رضاشاه پهلوی با □ عمل زور، بسیاری از زنان و دختران را مجبور به ((کشف حجاب)) کرد و جمهوری اسلامی از بدو تاسیس به زور سعی کرد که ((حجاب)) یا پوشش دلخواه خود را به زنان تحمیل کند. اما با گذر از یک فراز اکنون چند سالی است که زنان مبارز میهنمان به تدریج از طریق ابتکارات خود تنوعی در شکل و رنگ لباسشان پدید آورده، حدفاصل پوشش خود در خانه و خیابان را کاهش داده‌اند. اما با این حال بخش قابل توجهی از مردم میهن ما اعم از مردان و زنان هنوز هم قادر نیستند آن‌گونه که می‌خواهند لباس بپوشند. آنان مترصد فرصت‌هایی هستند که با استفاده از آن بتوانند با حجاب تحمیل شده به ایشان در حد امکاناتشان مقابله کنند. روزهای جشن و شادی عمومی همواره بهترین فرصت‌هایی بوده‌اند که جوانان از آن استفاده کرده‌اند. دور از انتظار نیست که در این روزها که با چهارشنبه سوری آغاز و با سیزده‌بدر به اتمام می‌رسد زنان و به‌خصوص دختران جوان آزادانه‌تر در اجتماع ظاهر شوند و چه بسا در جاهایی حجاب از سربرگیرند. اما آنها در عین حال از آن بیم دارند که نیروهای ((شبه فاشیستی)) چون باند مسعود دهنمکی و ع.پناه با حملات فیزیکی خود به شادی آنان لطمه زنند. با این حال همه‌ی شواهد نشان می‌دهد که در این عرصه نیز زورگویان ره به جایی نخواهند برد و ناچار به عقب‌نشینی و تن دادن به خواست مردم خواهند بود.

دانشجویان از ((فاجعه ملی سال ۶۷)) می‌پرسند پرونده قتل‌عام هزاران زندانی سیاسی بازگشایی می‌شود؟

در سمینار یک روزه مطبوعات و مجلس ششم که به ابتکار روزنامه صبح امروز برگزار شد، برای نخستین بار چگونگی قتل‌عام چند هزار زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ در زندان‌های جمهوری اسلامی مورد پرسش شرکت‌کنندگان در سمینار قرار گرفت. همه روزنامه‌هایی که گزارش این سمینار را بطور مشروح به چاپ رسانده‌اند، در برابر این پرسش‌گری‌ها سکوت کرده و یا به اشاره‌ای از آن گذشتند. روزنامه عصرآزادگان به این اشاره عمادالدین باقی بسنده کرد که: ((وی درباره اعدام تعدادی از زندانیان سیاسی در سال ۷۶ گفت: اعتراض به این موضوع تنها مختص اپوزیسیون نبود، بلکه قایم‌مقام رهبری وقت هم به این موضوع اعتراض داشت)). در این سمینار موضوعات ممنوعه دیگری نیز از جمله جنایات حکومت جمهوری اسلامی در کردستان مورد پرسش حضاری قرار گرفت که بیشتر آنان جوان و دانشجو بودند.

پرونده کشتار صدها و به تعبیری هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷ دیر یا زود باید گشوده شود. مگر جامعه‌ای می‌تواند به سوی اصلاح و ((نقد گذشته)) برود و بر این زخم عمیق که هم‌اکنون نیز هزاران هزار نفر را می‌آزارد، نیشتر نزند؟ نخستین پرسش‌ها آغاز شده است و این پرسشگری را دیگر نمی‌توان متوقف ساخت. بر این فاجعه دردناک که قتل‌های زنجیره‌ای در برابر آن کوچک می‌نماید نیز باید نور تاباند و درود بر کسانی که با پرسش‌ها و روشنگری‌های خود گام در این راه گذاشته و می‌گذارند!

سال نو را به همه هم‌میهنان شادباش می‌گوئیم
و برای همگان سالی توام با شادکامی، پیروزی و تندرستی آرزو مندیم.

به اطلاع خوانندگان عزیز می‌رسانیم که شماره ۲۲۹ نشریه کار با یک هفته تاخیر منتشر خواهد شد.

کارکنان نشریه کار

نامه کمیسیون جوانان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

به: عالیجناب موريس دانبي کاپيتورن

فرستاده ویژه کمیسیون بشر سازمان ملل متحد!

همانگونه که اطلاع دارید پس از حمله بسیار خشن و وحشیانه نیروهای انتظامی و مامورین سرپس مخفی جمهوری اسلامی ایران به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران، اعتراضات دانشجویی در ایران اوج گرفت و نیروهای دولتی و گروه‌های فشار تعداد زیادی (بنا به آمار دولتی قریب ۱۶۰۰ نفر) از دانشجویان را دستگیر کردند. پس از این رویدادها که به جنبش ۱۸ تیر دانشجویان معروف شد، بسیاری از دانشجویان و جوانان دستگیر شدند و تحت فشار و شکنجه قرار داده شدند تا آنان را به اعتراضات دروغ و نمایشات تلویزیونی بکشانند. جوانان و دانشجویان دستگیر شده در تبریز نیز به شدت تحت فشار قرار گرفتند و تعدادی از آنها به زندان‌های طویل‌المدت محکوم شدند. این دانشجویان به احکام داده شده اعتراض کردند که نامه‌های اعتراضی آنان در روزنامه‌های ایران نیز بازتاب وسیعی پیدا کرد. آنچه که اکنون اهمیت یافته و دخالت فوری شما را می‌طلبد، خطری است که جان دانشجویان زندانی، به ویژه آقای اکبر محمدی را تهدید می‌کند. روزنامه‌های صبح‌امروز و اخبار اقتصاد که در ایران منتشر می‌شوند در تاریخ چهارم دی ماه خبر دادند که ایشان به اعدام محکوم گردیده و حکم اعدام برای تایید به دیوان عالی کشور فرستاده شده است. طبق آخرین خبر انتشار یافته در ایران، حکم اعدام آقای اکبر محمدی به تایید دیوان عالی کشور رسیده است و هر آن امکان دارد که این حکم به اجرا درآید. علاوه بر این تاکنون چندین بار مقامات دادستانی انقلاب تهران اعلام کرده‌اند که گروهی از دستگیرشدگان حوادث تیر ماه به اعدام محکوم شده‌اند. به نظر بسیاری این امر برای سنجش حد اعتراضات صورت می‌گیرد تا در صورت مقتضی بودن شرایط، دانشجویان و دیگر مبارزین زندانی را برای ترساندن دیگران اعدام کنند. ما مصرأ از شما می‌خواهیم از همه امکاناتی که خود در اختیار دارید استفاده کنید و دولت جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهید تا از اعدام آقای اکبر محمدی خودداری کنند و نیز همه دانشجویان و جوانان دستگیر شده را آزاد کنند.

با تقدیم احترام

دبیر دپارتمان جوانان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۵ مارس ۲۰۰۰

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با ترور نمی‌توان راه اصلاحات سیاسی را بست!

سعید حجاریان عضو رهبری جبهه مشارکت ایران اسلامی، نائب رئیس شورای شهر تهران، مدیر مسئول روزنامه صبح امروز و مشاور رئیس جمهور صبح روز یکشنبه در ساعت ۸/۵ به هنگام ورود به ساختمان شورای شهر هدف اصابت گلوله مهاجمان قرار گرفت و به شدت مجروح شد. حجاریان بلافاصله به بیمارستان سینا انتقال یافت و تلاش پزشکان برای نجات جان وی ادامه دارد. مهاجمان دو نفر موتور سیکلت سوار بودند که بعد از سو قصد محل را سریعاً ترک کردند.

خبر سو قصد به جان حجاریان در ایران و خارج کشور بازتاب وسیعی داشت و نفرت و انزجار عمومی را علیه مهاجمان برانگیخت. توجه و تأثر افکار عمومی از این رویداد ناشی از نقش مهم حجاریان در رهبری اصلاح‌طلبان حکومتی و در میان روشنفکران دینی است. حجاریان در سالهای اخیر در مبارزه علیه دشمنان آزادی و نزدیکی اصلاح‌طلبان حکومتی به خواسته‌های مردم و پذیرش ضرورت توسعه سیاسی از طرف بخشی از نیروی مذهبی نقش برجسته‌ای برعهده داشته و روزنامه صبح امروز که با مسئولیت وی منتشر می‌شود یکی از روزنامه‌های موثر در شناخت و خنثی کردن توطئه‌های پیوسته خشونت‌طلبان علیه جنبش دوم خرداد بوده است. حجاریان در شکل‌گیری جبهه مشارکت ایران اسلامی، افشای چهره هاشمی رفسنجانی و مخالفت با حضور وی در لیست نیروهای دوم خرداد در انتخابات و پیروزی جبهه مشارکت نقش موثری داشته است.

سو قصد علیه حجاریان و همه کسانی که علیه اقتدارگرایان و کوتاه‌کردن دست آنان از قدرت برخاسته‌اند، دور از انتظار نبوده و نیست. همه شواهد نشان می‌دهد که حجاریان به دست عوامل نیروهای امنیتی و همان کسانی هدف سو قصد قرار گرفته که قتل‌های زنجیره‌ای را آفریدند. اگر برای معرفی آمران قتل‌ها و دستگیری و محاکمه عاملان ترور و خشونت با قاطعیت برخورد می‌شد ما شاهد گستاخی تازه عوامل امنیتی نبودیم و در میان خشونت‌طلبان این فکر عبث تقویت نمی‌شد که با حذف فیزیکی مخالفان قادر به حذف اندیشه و دوام عمر استبدادگران خواهند شد.

مهاجمان و آمران سو قصد علیه حجاریان را باید بلادرنگ به مردم معرفی کرد. برای یافتن مهاجمان دولت با دشواری مهمی مواجه نیست. همه می‌دانند که مهاجمان از موتورسیکلتی استفاده کرده‌اند که آن نوع وسیله فقط در اختیار نیروهای امنیتی است و شهروندان عادی حق تردد با این موتور سیکلت را ندارند.

ما سو قصد به جان سعید حجاریان را محکوم می‌کنیم. امیدواریم وی از این ترور جان سالم بدربرد و خواهانیم شناسایی و معرفی آمران این اقدام غیر انسانی با قاطعیت پی‌گیری شود.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90

شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>

fadai.aksariyat@magnet.at

آدرس کار در اینترنت :

آدرس پست الکترونیکی :

I.G.e.v : آدرس پستی :

Postfach 260268

50515 Köln

Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان

بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک

سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :

مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)

به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب :

22 44 20 32 : شماره حساب :

37 05 01 98 : کد بانک :

Stadtsparkasse : نام بانک :

Köln

Germany